

مقایسه مهارت نوشتاری در میان دانش آموزان پایه اول دبستان با و بدون تجربه ی پیش از دبستان

عطیه شهودی مژدهی^۱

فرخنده مفیدی^۲

حمید علیزاده^۳

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۲

تاریخ وصول: ۹۱/۱۲/۵

چکیده

پژوهش حاضر به مقایسه مهارت نوشتاری کودکان با و بدون تجربه پیش دبستانی در پایه ی اول دبستان و ارائه راهکارهای مناسب می پردازد. در این پژوهش علی-مقایسه ای، جامعه آماری کلیه دانش آموزان پایه اول دبستان در شهر تهران است که از طریق نمونه گیری خوشه ای مرحله ای انتخاب شده است؛ بدین صورت که نمونه ای با حجم ۶۰ دانش آموز کلاس اول دبستان که ۳۰ نفر را دانش آموزان دارای تجربه پیش از دبستان (۱۵ نفر دختر و ۱۵ نفر پسر) و ۳۰ نفر دیگر را دانش آموزان بدون تجربه پیش از دبستان تشکیل می دادند. برای مشخص کردن دانش آموزان با و بدون تجربه پیش از دبستان به پرونده تحصیلی آنان مراجعه

A.shohoudi@gmail.com

۱- کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان، دانشگاه علامه طباطبائی

۲- استاد دانشگاه علامه طباطبائی

۳- دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

شد که به تأیید معلمان رسید، همچنین برای آزمون مهارت نوشتاری دانش‌آموزان از آزمون پیشرفت نوشتن (راغب، ۱۳۸۴) استفاده شد. در تحلیل داده‌ها، مشاهده گردید که در تمامی فرضیه‌های پژوهشی بین دانش‌آموزان با تجربه پیش از دبستان نسبت به دانش‌آموزان بدون تجربه پیش از دبستان از نظر مهارت املاء و انشاء تفاوت معناداری وجود دارد. مهارت نوشتن در دو زمینه املاء و انشاء بهتر از دانش‌آموزان بدون تجربه پیش از دبستان است و عامل جنسیت نیز در این تفاوت‌ها مؤثر واقع شده است. بر این اساس، بر نقش تجربه‌های پیش از دبستان بر مهارت‌های نوشتاری تأکید می‌شود.

واژگان کلیدی: آموزش پیش از دبستان، مهارت نوشتن، زبان آموزی.

مقدمه

آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، به عنوان دروندادی حساس هم از نظر رشد کلی یک فرد و هم از نظر تأثیر در پذیرش و نگهداری کودکان در سطوح دبستان، مورد تأکید قرار گرفته است. تحقیقات انجام شده در سال‌های اخیر، نشان دهنده تأثیر برنامه‌های غنی و برنامه‌ریزی آموزشی مطلوب، برای گروه‌های سنی مختلف کودکان این دوره است (مفیدی، ۱۳۷۴). کودک از همان روز تولد شروع به یادگیری می‌کند. آنچه کودک در پنج سال اول زندگی می‌آموزد مبنای یادگیری‌های آینده اوست. بسیاری از افراد در پیدایش این شرایط نقش دارند و صرف نظر از همبازی‌های کودک می‌توان از مادر، پدر و مربیان مهد کودک نام برد. همگی این افراد در ایجاد شرایطی که باعث یا مانع یادگیری کودک می‌شود، نقش دارند و او را به استفاده خلاقانه از ذهن و جسم بر می‌انگیزند (لاندرث، بی‌تا، ترجمه بوالحسنی، ۱۳۷۰).

مطالعات علمی و تحقیقات در زمینه کودکان نشان داده است که حدود نیمی از رشد شناختی بین زمان تولد تا ۴ سالگی، حدود سی درصد آن بین ۴ تا ۸ سالگی و سی درصد باقی مانده در فاصله سنین ۸ تا ۱۷ سالگی شکل می‌گیرد. این نتایج تجارب مناسب یادگیری را در

گفتن و شنیدن شروع می‌شود. همانطور که در آموزش خواندن، میدان و قدرت دید کودک اهمیت اساسی دارد، در آموزش نوشتن هم میدان و قدرت فکر کودک اهمیت اصلی دارد (ضرغامیان، ۱۳۷۸). آن چه زمینه را برای فرایند نوشتن فراهم می‌سازد، عبارت از شرایط شناختی و جسمی، تسلط بر عضله‌ها و داشتن الگویی برای تقلید است. بنابراین، ضروری است فعالیت‌هایی به منظور آماده نمودن کودکان جهت یادگیری این فرایندها، در آموزش پیش از دبستان گنجانده شود. به دیگر سخن، مجموعه‌ای فعالیت‌ها، زمینه را برای خواندن و نوشتن فراهم می‌سازد (نجفیان، ۱۳۸۱).

در صورتی که خواندن پیش از نوشتن، آموزش داده شود می‌تواند در نوشتن بسیار مؤثر باشد. پس از آن که کودک مفاهیم و کلمه‌های ساده را یاد گرفت، می‌تواند جمله‌سازی کند و سپس با استفاده از کلمات و مفاهیم یاد گرفته شده، و نیز با ترکیب حروف با یکدیگر بخش‌هایی با معنی بسازد (راه پیمان، ۱۳۸۶). مهمترین نیاز تربیتی کودک، زبان آموزی است. حرکت کودک از مرحله پیش از خواندن به طرف خواندن رسمی در مدرسه، به طور مسلم حرکتی اختیاری است. سولزبی^۱ (۱۹۹۲) نقطه گذر از مرحله اول را زمانی می‌داند که کودک بتواند سه مفهوم دانش آوایی واژه‌ها - مفهوم واژه کلمه - درک و فهم را موزون و سازگار، به کار گیرد.

نوشتن به مجموعه‌ای از مهارت‌های نوشتاری که با یکدیگر مرتبط هستند اشاره می‌کند. مهارت‌هایی چون دست‌خط، هجی کردن یا املا، انشاء یا بیان نوشتاری جز نوشتن به حساب می‌آیند (راغب، ۱۳۸۴). دست خط یکی از عینی‌ترین مهارت‌های ارتباطی است. دست‌خط می‌تواند به طور مستقیم مورد مشاهده و ارزیابی قرار گیرد و برونداد را به طور دائم ثبت نماید. املاء به معنای از حفظ نوشتن کلمات است (عندلیبی، ۱۳۸۵) و انشاء یعنی توانایی خلق عقاید و بیان آنها در یک ساختار دستوری قابل قبول به گونه‌ای که با اصول سبک‌شناسی ادب مطابقت داشته باشد.

برخی مطالعات نشان می‌دهند که ارتباط قوی بین آگاهی واجی و نحوه عملکرد کودکان در خواندن و نوشتن وجود دارد (موتر^۱، هولم، اسنولینگ و تیلر ۱۹۹۸). اهری (۱۹۹۷) سه فرایند را در نوشتن واژه دخیل می‌داند: نوشتن از طریق حافظه، نوشتن قیاسی^۲ و نوشتن از طریق نوآوری کودکانی که در مرحله آغازین یادگیری نوشتن هستند، دانش اندکی درباره شیوه نوشتن واژه‌ها دارند. آنها نمی‌توانند بسیاری از واژه‌ها را از طریق حافظه و قیاس بنویسند و اغلب بر روش اختراع تکیه می‌کنند. بنابراین، اینکه چگونه یک کودک روش‌های نوشتن را اختراع می‌کند، می‌تواند مبنایی را برای مطالعه افرادی که در خواندن و نوشتن ضعیف هستند، فراهم کند (کاسار^۳ و تریمن، ۲۰۰۴).

مونه سوری (بک، بی‌تا، ترجمه شایق، ۱۳۷۵) بیان می‌کند کودکان می‌توانند خواندن و نوشتن را بیاموزند، و پیش از خواندن، نوشتن را یاد می‌گیرند. کودک آموختن را به ترتیب با کنترل کردن عضلات دست، به دست گرفتن وسایل کار، کار کردن روی اشکال هندسی و پازل‌ها و کشیدن و پر کردن اشکال هندسی شروع می‌کند. سپس حروفی را که با مقوا یا کاغذ کلفت بریده شده با انگشت کشیده و صدای آنها را تکرار می‌کند. به این ترتیب، کودک حرکات لازم دست را برای نوشتن بدون آن که بداند سرگرم نوشتن است، انجام می‌دهد. افرادی چون جنتری^۴ (۱۹۸۲) و هندرسون^۵ (۱۹۹۰) رشد مهارت نوشتن را به صورت مرحله‌ای توصیف کرده و معتقدند طی مراحل مشخصی تکامل می‌یابد. یافته‌های رحیمی (۱۳۷۱) نیز نشان داده است، دانش آموزانی که دوره آمادگی را گذرانده‌اند، نسبت به دانش آموزانی که دوره آمادگی را نگذرانده بودند، در آزمون‌های ریاضی، دیکته و انشاء تفاوت معنی‌داری نشان داده‌اند. تأثیر دوره آمادگی بر آزمون‌های دیکته و انشاء بیشتر از آزمون ریاضی بوده است.

-
1. Muter
 2. Analogical
 3. Cassar
 4. Gentry
 5. Henderson

بر طبق نظریه رشد مهارت نوشتن هندرسون (۱۹۹۹)، رشد این مهارت شامل پنج مرحله می‌شود: - مرحله قبل از سوادآموزی^۱: در این مرحله، نوشتن کودک شامل خط خطی، نقاشی و نوشتن برخی حروف است. در طول این مرحله کودک مفاهیمی چون تمایز بین نوشتار و نقاشی، جهت مندی خط (اینکه خطی مانند فارسی، از راست به چپ پردازش می‌شود و از بالا به پایین است) و پایه‌های آگاهی واجی را می‌آموزد. - مرحله نامگذاری حروف^۲: در این مرحله، آگاهی واجی کودک گسترش می‌یابد و اصل الفبایی را در نوشتن خود به کار می‌برد. نوشتارهای اختراعی کودک در این مرحله بر اساس نام حروف است. منظور از نام حروف شباهت آوایی بین صدا و نام آن می‌باشد. - مرحله الگوهای درون واژه‌ای^۳: در این مرحله الگوهای خطی مانند الگوهایی که در استفاده از واژه‌های کوتاه و بلند دخیل هستند، آموخته می‌شوند. علاوه بر این، کودک از اصل معنایی در نوشته‌های خود استفاده می‌کند. - مرحله پیوند هجایی^۴: در این مرحله، اصل مضاعف سازی^۵ و توجه به الگوهای حاضر در هجاهای دارای تکیه و بدون تکیه آموخته می‌شود. - مرحله ثبات اشتقاقی^۶: در این مرحله، کودک ریشه‌های واژه‌ها و اشتقاق‌های آن‌ها را می‌آموزد و از این دانش به خوبی و به گونه‌ای با ثبات استفاده می‌کند. به نظر می‌رسد این مراحل رشد نوشتن کودک را بدون توجه به توانایی زبانی آنها توصیف می‌کنند.

مونتسوری (صمدی، ۱۳۸۷) معتقد است تمایلی در سنین چهار و پنج سالگی (افزایش میل به خط خطی کردن و رسم تصاویر و اشکال مختلف) در کودک نمایان می‌شود که از چنین گرایشی برای پرورش مهارت نوشتن می‌توان بهره گرفت. فیلیپ و همکاران (۱۹۸۷) رابطه میان تجربه پیش از دبستان و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کلاس اول را مورد بررسی

-
1. *Preliterate stage*
 2. *Letter – name stage*
 3. *Within-word patterns stage*
 4. *Syllable juncture stage*
 5. *Doubling principle*
 6. *Derivational constancy stage*

قرار داد که تفاوت معناداری بین نمرات خواندن و نوشتن دو گروه با تجربه آموزش پیش از دبستان و بدون تجربه آموزش پیش از دبستان مشاهده گردید. یافته‌های پالمر^۱ و همکارانش (۱۹۷۹) نیز بیان می‌کنند، دانش‌آموزانی که در برنامه‌های آموزش پیش از دبستان شرکت کرده‌اند، در مقایسه با گروه گواه در آزمون‌های خواندن، حساب و کاربرد زبان نمرات بالاتری بدست آوردند، کمتر به کلاس‌های تقویتی احتیاج داشتند و نیز به طور کلی گرایش کمتر به رفتارهای ضداجتماعی نشان می‌دادند (سبزه، ۱۳۸۴).

روش

در این پژوهش علی-مقایسه‌ای، کلیه دانش‌آموزان (دختر و پسر) که در سال ۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل هستند، جامعه را تشکیل می‌دهند. برای انتخاب نمونه ۶۰ نفری، شهر تهران به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم گردید و از هر منطقه، ۲ مدرسه به طور تصادفی انتخاب شد (مجموعاً ۱۰ مدرسه). سپس از بین کلاس‌های اول هر مدرسه یک کلاس به طور تصادفی انتخاب گردید. دانش‌آموزانی که دوره پیش از دبستان را گذرانده و آن دسته از دانش‌آموزانی که این دوره را طی نکرده بودند در دو طبقه جداگانه فهرست شدند، سپس از بین هر گروه به صورت تصادفی، ۳ دانش‌آموز انتخاب شد که حجم نمونه در این پژوهش به ۶۰ نفر رسید.

ابزار

از آزمون پیشرفت مهارت نوشتن پایه اول دبستان (راغب، ۱۳۸۴) برای اندازه‌گیری و مقایسه مهارت نوشتن آزمودنی‌ها استفاده شده است. آزمون پیشرفت مهارت نوشتن پایه اول دبستان به دو صورت گروهی و انفرادی قابل اجراست که در پژوهش حاضر به صورت انفرادی و در پایان سال تحصیلی بر روی آزمودنی‌ها اجرا شد. این آزمون از دو بخش دیکته (۴ خرده

آزمون) و بیان نوشتاری (۲ خرده آزمون) تشکیل شده است که توسط راغب (۱۳۸۴) ساخته و هنجاریابی شده است و ضریب پایایی کل آزمون ۰/۹۶ برآورده شده است. همچنین بررسی روایی آزمون نشان می‌دهد که با توجه به روایی افتراقی، روایی ملاکی و استفاده از ضرایب بین همبستگی خرده آزمون‌ها و نیز کل آزمون، آزمون مورد بحث از روایی مطلوبی برخوردار است (راغب، ۱۳۸۴).

گردآوری داده‌ها

ابتدا از اداره آموزش و پرورش شهرستان تهران برای مدارس مورد نظر معرفی نامه گرفته و سپس به مدارس که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، معرفی نامه‌ها ارائه شد. برای تشخیص آزمودنی‌های با و بدون تجربه پیش از دبستان به پرونده تحصیلی آنها مراجعه شد و همچنین با کمک معلم کلاس اول ابتدایی هر مدرسه، این دانش آموزان شناسایی شدند. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و نرم افزار *SPSS* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

ابتدا جدول مربوط به میانگین نمرات املاء و انشاء دانش آموزان دختر و پسر بدون تجربه پیش از دبستان و دانش آموزان پسر و دختر دارای تجربه پیش از دبستان خواهد آمد و سپس به بررسی جداگانه هر یک از فرضیه‌ها پرداخته می‌شود:

جدول ۱. میانگین نمرات املاء و انشاء دانش آموزان دختر و پسر با و بدون تجربه پیش از دبستان

عملکرد	دانش آموزان دختر		دانش آموزان پسر	
	دارای تجربه	بدون تجربه	دارای تجربه	بدون تجربه
انشاء	۳۲/۶۰	۱۹/۴۷	۳۰/۸۷	۲۳/۰۷
املاء	۲۳۲/۰۷	۱۷۵/۴۰	۲۲۲/۷۳	۱۹۱/۶۷

در فرضیه اول مهارت نوشتن دانش آموزان دارای تجربه پیش از دبستان با عملکرد نوشتن دانش آموزان بدون تجربه پیش دبستان در کلاس اول دبستان مقایسه شد. از تحلیل فرضیه اول به این نتیجه می‌رسیم که بر اساس جدول (۱)، مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۵۸ برابر ۵/۱۲۱-، با سطح معناداری $p=0/000$ است. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی‌داری آزمون مورد بررسی از ۰/۰۵ که ملاک سنجش و سطح مورد بررسی می‌باشد، کمتر است فرض صفر در سطح ۰/۰۵ رد می‌شود و با توجه به نتایج آزمون می‌توان استنباط کرد که دارا بودن تجربه پیش دبستانی در بهبود عملکرد نوشتن دانش آموزان به طور معناداری مؤثر است.

در فرضیه دوم مهارت انشاء دانش آموزان دختر دارای تجربه پیش از دبستان با دانش آموزان دختر بدون تجربه پیش دبستان در کلاس اول دبستان مقایسه شد. همانطور که ملاحظه می‌شود مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۲۸ برابر ۳/۵۶۵، با سطح معناداری $p=0/001$ است. با توجه به این که مقدار سطح معنی‌داری آزمون مورد بررسی از ۰/۰۵ که ملاک سنجش و سطح مورد بررسی می‌باشد، کمتر است فرض صفر در سطح ۰/۰۵ رد می‌شود. بنابراین، با توجه به نتایج آزمون می‌توان استنباط کرد که دارا بودن تجربه پیش دبستانی در بهبود عملکرد انشاء دانش آموزان به طور معنی‌داری مؤثر است.

در فرضیه سوم مهارت املاء دانش آموزان دختر دارای تجربه پیش دبستان با دانش آموزان پسر دارای تجربه پیش دبستان در کلاس اول دبستان مقایسه شد. مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۲۸ برابر ۲/۳۲۷، با سطح معناداری $p=0/002$ است. با توجه به این که مقدار سطح معنی‌داری آزمون مورد بررسی از ۰/۰۵ که ملاک سنجش و سطح مورد بررسی می‌باشد، کمتر است، فرض صفر در سطح ۰/۰۵ رد می‌شود و با توجه به نتایج آزمون می‌توان استنباط کرد که دارا بودن تجربه پیش دبستانی در بهبود عملکرد املاء دانش آموزان به طور معنی‌داری مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل انجام گرفته در این پژوهش، تفاوت معناداری میان مهارت نوشتاری کودکان با و بدون تجربه پیش از دبستان وجود دارد، نتایج فرضیه‌های پژوهش نشان داد که دختران مهارت بیشتری از خود نشان دادند، این یافته با نتایج پژوهش‌های دونینگ و تاگری (۱۹۷۶) که اعلام نمودند دختران بر پسران از نظر تشخیص شنوایی و بینایی در دوران آمادگی (پیش از ورود به دبستان) در خواندن، دیکته و علامت‌گذاری و ریاضیات با یکدیگر برتری دارند، مطابقت دارد. همچنین با یافته‌های چستین (۱۹۸۸) که گزارش داد دختران در مهارت‌های نوشتاری و خواندن و پسران در مهارت‌های شفاهی یعنی شنیداری و گفتار موفق‌تر هستند، همسو است، می‌توان علت همسویی را در تفاوت دختران و پسران از نظر رشد جسمی و شناختی و اینکه دختران از پسران رشد سریع‌تری دارند، جستجو کرد.

یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش پترسون (۱۹۷۸)، مورتی مورد (۱۹۸۸)، رایلی (۱۹۹۲) و تیزارد (۱۹۹۳)، همخوان است. یافته‌های پژوهش‌های ذکر گردیده حاکی از این است که آموزش خواندن و نوشتن در سال‌های نخستین مدرسه و پیش از آن، برای تمام سال‌های زندگی بیشترین تأثیر را دارد. کودکانی که در سال اول موفق بودند، در تمام مدت تحصیلی این موفقیت را حفظ کرده‌اند. پالمر و همکارانش (۱۹۷۹) در تحقیقی نیز دریافتند، دانش‌آموزانی که تجربه پیش از دبستان داشته‌اند، در مقایسه با گروه گواه آزمون‌های خواندن، حساب و نوشتن و کاربرد زبان نمرات بالاتری به دست آورده‌اند. در تمامی این پژوهش‌ها، هر کدام به نوعی به این نتیجه رسیده‌اند که تجربه‌های پیش از دبستان تأثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی و خواندن و نوشتن دانش‌آموزان خواهد داشت. دلیل این امر، می‌تواند تأثیر مثبت برنامه‌های آموزشی این مراکز جهت تربیت حواس و تمرین‌های مختلف در جهت کسب مهارت‌های پیش از نوشتن از طریق بازی، قصه‌گویی باشد. تایو و تایلو^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی تأثیر سودمندی برنامه هد

استارت (سرآغاز) بر پیشرفت تحصیلی را سنجیدند. یافته‌ها نشان داد که تفاوت‌های معنی‌داری بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کلاس اول با تجربه آموزش پیش دبستانی و همتایان، بدون تجربه پیش از دبستان در تکالیف انتخاب شده در زبان انگلیسی، ریاضی و علوم وجود دارد.

پیتر کاتیک (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای بر روی دانش‌آموزان نتیجه گرفت، هیچ‌یک از فعالیت‌های پیش دبستانی معلم محور یا شاگرد محور بر عملکرد تحصیلی آزمودنی‌ها در طول تحصیلات ابتدایی تأثیری نداشته است. شاید علت ناهمسو بودن این پژوهش‌ها به این دلیل باشد که کودکان در خانواده‌های غنی پرورش یافته‌اند که امکانات رفاهی و آموزشی مناسبی در جهت پیشبرد اهداف آموزشی در اختیار آنان قرار داشته است و والدین آنان خود تمرین‌های مؤثری در این زمینه با دانش‌آموزان انجام داده‌اند. نوروززاده (۱۳۷۳) به بررسی آموزش‌های پیش از دبستان بر کارآمدی دانش‌آموزان پایه اول تا سوم دبستان‌های بجنورد پرداخته است، طبق نتایج به دست آمده در سطح ۹۵ درصد تفاوت معنی‌داری بین معدل سالانه پایه اول و دوم دانش‌آموزان با تجربه و بدون تجربه آموزش‌های پیش از دبستان مشاهده نشد، اما در کلاس سوم تفاوت معناداری مشاهده شد، که با نتایج بدست آمده از این تحقیق ناهمسو است.

بر طبق نظریه هندرسون (۱۹۹۰) کودکان در سنین پیش دبستانی در مرحله پیش سوادآموزی هستند. در طول مرحله قبل از سوادآموزی، کودک مفاهیمی چون تمایز بین نوشتار و نقاشی، جهت‌مندی خط (این که خطی مانند فارسی، از راست به چپ پردازش می‌شود و از بالا به پایین است) و پایه‌های آگاهی واجی را می‌آموزد. در همین جا است که اهمیت مراکز پیش از دبستان آشکار می‌شود، زیرا برای کسب مهارت نوشتن، کودک احتیاج به مواردی، مانند هماهنگی چشم و دست، توانمندی عضلات کوچک دست و انگشتان و رشد توانایی به کارگیری صحیح عضلات ریز دست برای قلم در دست گرفتن، تقویت ادراک دیداری، سمت شناسی و شناخت مفاهیم نیاز دارد. کودکی که در معرض آموزش‌های مرتبط با مهارت نوشتن و پیش نیازهای آن قرار داشته باشد، با ورود به مقطع ابتدایی، فرآیند یادگیری نوشتن را به طور مؤثری طی می‌کند و نسبت به سایر دانش‌آموزان که دارای چنین تجربه‌ای

نیستند، از قابلیت‌های خوبی در نوشتن برخوردارند. اهمیتی که حضور کودک در مرکز پیش از دبستان در این مرحله دارد، غیر قابل انکار است، زیرا این مراکز فرصت‌های متعددی برای فعالیت و کسب مهارت در پیش نیازهای نوشتن برای کودکان فراهم می‌کنند. در این مراکز کودکان با اهمیت نوشتار به عنوان بخش جدا نشدنی از زندگی آشنا می‌شوند و میل و رغبتی در آنان برای کسب چنین مهارتی برانگیخته می‌شود. همانطور که در ابتدا آموختن مهارت‌های متعددی در زمینه تأثیر آموزش‌های پیش از دبستان انجام گرفته است، که تأثیر آن را بر عملکرد تحصیلی کودکان نیز آشکار ساخته است، که این تأثیر فقط محدود به مهارت نوشتاری نبوده و بر سایر مواد درسی نیز مؤثر بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش‌های پیش از دبستان نه تنها بر عملکرد تحصیلی کودکان بلکه بر تمام جنبه‌های شخصیت کودک تأثیر گذار است و کاملاً تفاوت بین کودکان برخوردار از این آموزش‌های با سایر هم‌تایان شان که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند، ملموس و قابل مشاهده است.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به طولانی بودن آزمون که موجب خستگی و افت عملکرد دانش‌آموزان می‌شود و مبهم بودن برخی از تصاویر که در کتاب درسی نیز این مشکل وجود دارد، اشاره کرد. همچنین این پژوهش به پایه اول ابتدایی پرداخته است که منحصر کردن آن به شهر تهران، تعمیم‌پذیری پژوهش را محدود می‌سازد. سرانجام پیشنهاد می‌شود نوشتن درس انشاء به عنوان عنصر مهم خلاقیت مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

بر اساس آن چه بحث شد، پیشنهاد می‌شود، مریبان مراکز پیش از دبستان در دوره آمادگی، پس از آموزش مهارت‌های پیش از نوشتن، با تهیه چک لیست‌هایی، به ارزیابی مهارت‌های آموزش داده شده بپردازند. از آن جا که نتایج و یافته‌های تحقیق نشان دهنده تأثیر پایدار دوره پیش از دبستان بر عملکرد نوشتاری کودکان است، پیشنهاد می‌شود که با گنجاندن برنامه‌های مناسب و تنظیم برنامه‌های تربیتی به شیوه‌های صحیح خواندن و آماده‌سازی نوشتن و تقویت اصوات و شیوه گوش دادن دانش‌آموزان در این سال‌ها بپردازند و مهارت‌های آماده سازی خواندن و نوشتن صحیح را در کودکان این دوره پرورش دهند.

منابع فارسی

- امیری هنزکی، ناهید. (۱۳۷۶). ارائه الگوی آموزشی درس انشاء و مقایسه آن با وضعیت جاری آموزش انشاء در دوره تکمیلی نهضت سواد آموزی. *پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی، دانشگاه علامه طباطبائی.*
- بای، نرجس. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر دوره پیش دبستانی بر رشد خلاقیت دانش آموزان کلاس اول ابتدایی در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸. *پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبائی.*
- بازگیر، علی. (۱۳۸۶). مقایسه رشد زبان کودکان با و بدون تجربه مهدکودک پایه اول ابتدایی شهر تهران، *پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبائی.*
- براری، محمد. (۱۳۷۹). بررسی مشکلات درس انشاء در مدارس ابتدایی کردستان. شورای تحقیقات آموزش و پرورش کردستان. *پایان نامه کارشناسی ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان، دانشگاه علامه طباطبائی.*
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۷). *راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.*
- بک، جان. (۱۳۷۵). *چگونه فرزند باهوشتری تربیت کنیم (ترجمه علی شایق).* تهران: سازمان نشر و چاپ کویر.
- حیدری، اکرم. (۱۳۷۴). *روان‌شناسی رشد و اختلالات روانی رایج در کودکان.* تهران: انتشارات دیبا.
- راغب، حجت الله. (۱۳۸۴). *راهنمای آزمون پیشرفت تحصیلی نوشتن پایه اول ابتدایی (ساخت و هنجاریابی).* تهران: انتشارات پژوهشکده استثنایی کشور.
- راغب، حجت الله. (۱۳۸۴)، ویژگی‌های روان سنجی آزمون پیشرفت تحصیلی نوشتن پایه اول ابتدایی. *مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، شماره ۲. ۲۰۲-۱۸۳.*
- کول، ویتا. (۱۳۸۶). *برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان.* (ترجمه فرخنده مفیدی). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- عندلیبی، محمد. (۱۳۸۵). *مبانی زبان آموزی کودک و روش تدریس مهارت‌های زبانی*. تهران: رسانه تخصصی.
- طالب زاده نوبریان، محسن. (۱۳۸۴). *برنامه‌ریزی آموزش و پرورش کودکان پیش از دبستان*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ضرغامیان، مهدی. (۱۳۷۸). *فراگیری مهارت‌های زبانی و مسائل زبان آموزی، رشد آموزش ابتدایی، مرداد، ۱۴۴-۱۴۵*.
- صمدی، علی. (۱۳۸۷). *ماریا مونته سوری، نظام نوین تربیتی و آموزشی*. تهران: انتشارات دانژه.
- کاترین، لاندردث. (۱۳۷۰). *آموزش و یادگیری (در دوران پیش از دبستان)*. (ترجمه ناصرقلی بوالحسنی). تهران: انتشارات آینده.
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۷۲). *شناخت آموزش و پرورش پیش از دبستان و اثرات آن در دنیای کودکان امروز، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، دوره جدید، شماره ۱ و ۲، ۹۲-۸۱*.
- نجفیان، شهلا، و نوذردان، مریم، عابدین زاده، حسن. (۱۳۸۱). *از تکلم تا مدرسه*. تهران: انتشارات آینده.

منابع انگلیسی

- Cassar, M. & Treiman, R. (2004). *Developmental Variations in spelling: Comparing typical and poor spellers*. In C.A stone, E. R.Sillman, B.
- Ehri, L. (1986). *Recognition of spelling printed in lower and mixed case: Evidence for or ethnographic images*. *Journal of Reading Behavior*, 14, 219 - 230.
- Gentary, J. R. (1982). *An analysis of developmental spelling in GNYATWRK. The reading Teacher*, 192-200.
- Henderson, R. (1990). *Teaching spelling*. Boston. Houghton Mifflin.
- Lerner, J. W(1997). *Learning Disabilities: Theories, diagnosis, and teaching strategies (7 th ed)*. Boston, MA. Houghton Mifflin.
- Muter, V. Hulme, C. Snowling, M. & Taylor, S. (1998). *Segmentation, not rhyming, predicts early progress in early learning to read*. *Journal of experimental Child psychology*, 71,327-350.
- Sulzby, E (1992). *Research directions: Transitions from emergent to conventional writing*. *Language Arts*.69, 291-297.